

## 1- بیان مسئله، ضرورت و هدف تحقیق:

زبان گیلکی، یکی از لهجه های بازمانده از فارسی باستان و از گونه های زبان های زنده ی ایران است که مردم ساکن در بخشی از حاشیه دریای خزر از مدت ها پیش به آن تکلم می کردند. برخی گیلکی را به نام پهلوی خوانده اند، «مستوفی پهلوی را شبیه و وابسته به گیلکی می داند» (ناتل خانلری، 1387: 285).

زبان ها و گویش های محلی عواملی مؤثر در تقویت زبان معیار هستند. اگر چه مدتی است که زبان های محلی مورد کم توجهی برخی قرار می گیرد با این وجود در دو دهه ی اخیر، آثار بسیار ارزشمندی در قالب ها و سبک های کهن و نو، به ویژه در زبان گیلکی، چاپ و انتشار یافته است.

محمد علی رادبازقلعه ای [افراشته] (1287)، میراحمد سید فخری نژاد [شیون فومنی] (1325) و مصطفی رحیم پور سیاهکلی (1317) سه شاعر موفق گیلکی سرا، با اشعاری بسیار زیبا و دلنشین، تأثیر شگرفی در ادبیات بومی گیلان و در نهایت در ادبیات ملی ما نهادند. شأن و منزلت این سه بزرگوار، توجه و نگاه خاصشان به زبان و گویش محلی، حقی بزرگ بر گردن ما، در حوزه ی مطالعات ادبیات معاصر زبان فارسی و گیلکی نهاده است.

یکی از ویژگی های مشترک اشعار گیلکی سه شاعر یاد شده، طنز است. منظور از طنز اغلب، شیوه ی خاصّ بیان تند مفاهیم اجتماعی، اخلاقی، انتقادی، سیاسی و روشی برای افشای حقایق تلخ و فساد و بی رسمی های فردی و اجتماعی است که به قصد اصلاح و تنبیه می خنداند ولی در پس آن تفکر و تعمق نهفته است.

در این پایان نامه، هدف شناسایی و ارزیابی اشعار این سه شاعر از منظر سازوکارهای آفرینش طنز است. بدین منظور این پایان نامه در چهار فصل زیر تدوین شد:

1- فصل اول شامل معرفی سه شاعر و نگاهی به اشعار گیلکی آن ها است.

2- فصل دوم با عنوان طنز، به تعریف طنز، دلایل و اهداف استفاده از آن، تقسیم بندی های طنز و طنز با لهجه های محلی می پردازد.

3- فصل سوم سازوکارهای آفرینش طنز در اشعار گیلکی سه شاعر را مورد بررسی قرار می دهد. شیوه ی کار در این فصل به این صورت است که پس از بیان سازوکارهای مشترک و غیر مشترک در اشعار گیلکی سه شاعر و توضیحی مقدماتی و جزئی درباره ی آنها، در ذیل هر سازوکار ابیات طنز سه شاعر به تفکیک آورده شده است. در این میان هرگاه به مقتضای کلام

ابیاتی، به توضیح نیاز داشتند به آنها بیشتر پرداخته شده. ولی بحث و تحلیل و تطبیق ابیات طنز آمیز در فصل چهارم صورت گرفت.

4- فصل چهارم به بررسی تحلیلی - تطبیقی سازوکارهای آفرینش طنز در اشعار گیلکی سه شاعر اختصاص یافته است، بدین منظور ابتدا به تحلیل سازوکارهای طنز هریک از سه شاعر پرداخته شده است؛ سپس سازوکارهای طنز آفرین در اشعار گیلکی این سه شاعربه صورت تطبیقی تحلیل شده است. به منظور تحلیل جزئی تر، سازوکارها در دو عنوان سازوکارهای زبانی - کلامی و محتوایی - موقعیتی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. در این بین از جداول و نمودارها به منظور ارائه ی بهتر این یافته ها استفاده شده است.

هدف کلی این رساله، همان طور که از عنوانش پیداست، بررسی سازوکارهای آفرینش طنز در اشعار گیلکی سه شاعر (افراشته، شیون فومنی و رحیم پور سیاهکلی) است. و اما اهداف جزئی این رساله عبارتند از:

1) سعی در احیاء زبان گیلکی و توجه به اشعار شاعران گیلکی سرا و شناساندن این اشعار به نسل امروز

2) توجه به سازوکارهای پر کاربرد طنز آفرین در اشعار گیلکی

3) بررسی تفاوت ها و شباهت های سازوکارهای آفرینش طنز در شرق، غرب و مرکز گیلان

4) بررسی میزان تأثیرپذیری شاعران متأخر از شاعران متقدم در استفاده از سازوکارهای آفرینش طنز

## 2- پیشینه ی تحقیق:

پژوهش های متعدد و متنوعی در باره ی افراشته، شیون و طنز با دیدگاههای متفاوت صورت گرفته است از جمله پایان نامه «طنز در گیلان» از هاشم موسوی دیزکوهی که به بررسی جنبه های روان شناسی و جامعه شناسی طنز، هزل و هجو در گیلان می پردازد. هم چنین پایان نامه های دیگری با عناوین «تحلیل اجتماعی اشعار شیون فومنی» از حمید رضا حق پرست، «بررسی ساختار منظومه های دراماتیک گیلکی محمد علی افراشته و شیون فومنی» از شبنم مقدم، «افراشته و شعر گیلک» از محمود نیکویه و «بیان و سبک اشعار گیلکی شیون فومنی» از احمد رحمانپور که دیدگاه مؤلفان در موارد ذکر شده با آنچه که در این پایان نامه مورد بررسی قرار می گیرد کاملاً متفاوت است. ضمن آنکه در مورد مصطفی رحیم پور و اشعار گیلکی اش تاکنون هیچ گونه تحقیق و پژوهش دانشگاهی صورت نگرفته است.

### 3- پرسش های تحقیق:

پرسش های که در آغاز، برای نگارنده مطرح بود موارد زیر است:

- 1) هر یک از این سه شاعر، در اشعار گیلکی خود از چه شگردهایی برای آفرینش طنز بهره برده اند؟
- 2) چه تفاوت ها و شباهت هایی در استفاده از سازوکارهای طنز در اشعار گیلکی این سه شاعر وجود دارد؟
- 3) آیا شیون و رحیم پور در اشعار طنزآمیزشان پیرو افراشته اند؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، تأثیرپذیری هر یک از دیگری به چه میزان است؟

### 4- فرضیه ها:

پاسخ های احتمالی نگارنده به پرسش های فوق، در آغاز پژوهش به صورت زیر بود:

- 1) سه شاعر از سازوکارهای متداول و رایج که در کتب قدیمی تر به عنوان شگردهای آفرینش طنز آمده است استفاده کرده اند: شگردهایی چون: تحقیر، تشبیه به حیوانات، قلب اشیاء و الفاظ، تحامق یا کودن نمایی، خراب کردن سمبل ها، ستایش اغراق آمیز و نامعقول، تهکم، نفرین و دشنام و....
- 2) به نظر می رسد با توجه به تأخر شیون فومنی و رحیم پور نسبت به افراشته، این دو در طنز، به ویژه استفاده سازوکارهای طنزآفرین، از افراشته پیروی کرده باشند.
- 3) باتوجه به نوع شعر شیون می توان به این فرضیه رسید که شیون در اشعار طنزآمیز خود نگاهی به اشعار افراشته داشته است ولی شعرهای شیون ادبی تر و سازوکارهای طنز او متنوع تر از افراشته است. ولی در اشعار طنزآمیز رحیم پور گرچه سازوکارهای مشابه با آنچه که در شعر افراشته می توان یافت، وجود دارد اما چه از نظر فضا و چه از نظر نوع شعر دیگرگونه است.

### 5- روش تحقیق:

روش پژوهش در این پایان نامه بیشتر تحلیلی - تطبیقی است. و گردآوری اطلاعات اغلب در حوزه ی تحقیقات کتابخانه ای انجام شده است. در این تحقیقات ابتدا به گردآوری اطلاعات و منابع مرتبط پرداخته شد. در مورد شعرهای شیون فومنی، جز

یک مجموعه شعر «پرسه ی خیال»، صورت مکتوب بقیه اشعار گیلکی موجود نبود بنابراین بخشی از زمان گردآوری اطلاعات به مکتوب نمودن فایل صوتی اشعار گیلکی شیون و برگردان ابیات به فارسی اختصاص یافت. در برگردان اشعار گیلکی افراشته و رحیم پور نیز متأسفانه اشتباهاتی بود که نیاز به اصلاح داشت. پس از تکمیل این منابع به جستجو جامع و جمع آوری منابع مربوط به طنز و شگردهای آفرینش آن پرداخته شد، سپس به فیش برداری از ابیات طنزآمیز سه شاعر و طبقه بندی هر کدام بر اساس سازوکارها پرداخته شد. آوانگاری ابیات بخشی از زمان پژوهش این پایان نامه را به خود اختصاص داد. در مرحله ی پایانی، تحلیل و تطبیق سازوکارهای آفرینش طنز صورت گرفت.

## 6- قلمرو تحقیق:

قلمرو این رساله از سه بعد موضوعی، مکانی و زمانی قابل توجه و بررسی است:

الف) قلمرو موضوع: بررسی سازوکارهای آفرینش طنز:

- ✓ کلیه اشعار گیلکی افراشته در کتاب «شعرهای گیلکی افراشته (زادبازقلعه ای)» به کوشش محمود پاینده لنگرودی.
- ✓ کلیه اشعار گیلکی شیون فومنی به صورت صوتی در هفت نوار صوتی با نام «گیله اوخان» و هم چنین مجموعه شعری «خیال گرده گیج» به کوشش حامد فومنی.
- ✓ اشعار گیلکی مصطفی رحیم پور سیاهکلی در دو جلد کتاب با عنوان «گیله شول» به کوشش قاسم غلامی.

ب) قلمرو مکانی: غرب، شرق و مرکز گیلان

پ) قلمرو زمانی: شعرهای گیلکی افراشته، بین سال های 1308 تا 1318 سروده شده است، جز یک منظومه سه بخشی که حدوداً مربوط به سال 1322 تا سال 1327 است. اشعار گیلکی شیون نیز در سال های 1357 تا 1364 ارائه شده است. شعرهای رحیم پور نیز اغلب بین سال های 1336 تا 1360 سروده شده است. بنابراین به طور کلی قلمرو زمانی این پایان نامه را می توان از سال 1308 تا سال 1364 دانست.

# فصل اوّل

## معرفی شاعران

## 1-1 محمد علی راد بازقلعه ای:

محمد علی راد بازقلعه ای متخلص به افراشته، فرزند حاج شیخ جواد مجتهد بازقلعه ای، در سال 1287 ه. ش در روستای بازقلعه ی سنگر، از توابع شهرستان رشت، به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی خود را در همان روستا و شهر گذراند و پس از تحصیلات مقدماتی وارد خدمات اجتماعی شد. وی از ابتدای دوره ی تحصیل به ظریف کاری، نقاشی، ساختن مجسمه های مومی و به خصوص سرودن شعر فراوان داشت و همین فعالیت های هنری را پس از فراغت از تحصیل و آغاز فعالیت های سیاسی ادامه داد. رسوخ اشعار افراشته، در دل ها، باعث شد که او از شعرای طراز اول گیلان به شمار آید و سروده هایش دست به دست در میان اقشار مختلف جامعه بگردد. او از پیشگامان شعر گیلکی و از نامداران شعر ساده و روان فارسی و از بزرگان طنز اجتماعی است.

وی در سنین جوانی ازدواج کرد و ثمره ی این ازدواج، دو پسر به نام های «بیژن» و «بهمن» و یک دختر به نام «روشن» بود. بیژن، کوچکترین فرزند افراشته، قبل از مهاجرت او به بلغارستان، در ایران، در گذشت و زندگی برون مرزی افراشته به همراه همسر و دو فرزندش، بهمن و روشن، سپری شد.

کار مطبوعاتی افراشته با روزنامه «امید» به مدیریت «امید اتحاد» در سال 1314 آغاز شد. این روزنامه پس از یک بار توقیف، برای همیشه تعطیل شد. بعدها افراشته به همراه «حسین توفیق»، از بازماندگان روزنامه ی امید، اقدام به انتشار روزنامه ی «توفیق» با مضمون طنز و فکاهی کردند.

یکی از مهمترین رویدادهای فرهنگی و هنری بین سال های 1320 تا 1332 ه. ش، برگزاری نخستین کنگره ی نویسندگان ایران است که افراشته به همراه سرشناسانی چون: صادق هدایت، نیما یوشیج، دهخدا، احسان طبری و ملک الاشعراى بهار، که مدتی ریاست این انجمن را برعهده داشت، در آن شرکت داشتند. این کنگره در تیرماه 1325 به دعوت انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی با شرکت حدود صد تن از نویسندگان، شاعران و محققان ایرانی، که برگزارکننده ی بسیاری از جمع های ادبی بودند، تشکیل شد (نوح، 1358: 9).

تا پیش از سال 1327 بسیاری از آثار افراشته در نشریات حزب توده ی ایران منتشر می شد ولی پس از این سال، حزب توده ی ایران غیرقانونی شد و اشعار افراشته نیز از دسترس خوانندگان، دور گردید. در سال های 1328 و 1329 که نشریات این

حزب به صورت مخفیانه منتشر می شد، آثار افراشته نیز، کم و بیش، در برخی از روزنامه ها به چشم می خورد. تا سال 1329 که اقدام به انتشار روزنامه ی فکاهی «چلنگر» کرد. این روزنامه، منعکس کننده ی حقایق و وقایع، نوشته ها و یا کاریکاتورهای حامل پیام و طنزهای پخته بود و افراشته، ماهرانه، مسائل خشک سیاسی را با زبانی طنزآمیز بیان می کرد. شعر افراشته، شعر مردم روزگارش بود، بیت «بشکنی ای قلم، ای دست اگر/ پیچی از خدمت محرومان سر» در تمام شماره های روزنامه ی چلنگر، آرم این روزنامه بود.

با وقوع کودتای 28 مرداد 1332، چلنگر برای همیشه توقیف شد و افراشته به مدت دو سال مخفی گردید و سپس ناچار شد از ایران خارج شود و در صوفیه (بلغارستان) مستقر گردد. وی در آنجا نیز به نوشتن مطالب طنز آمیز ادامه داد و آثار خود را با امضای «حسن شریفی» در روزنامه ی فکاهی «استرشل» (زنبور قرمز)، منتشر کرد. سرانجام در اردیبهشت 1338 پس از 51 سال زندگی، به علت سکنه ی قلبی، دار فانی را وداع گفت و در صوفیه (بلغارستان) به خاک سپرده شد (نوح، 1358: صص 15-5).

نوآوری در شعر گیلکی معاصر با افراشته شروع شد؛ در واقع او از پیشکسوتان ادبیات بومی گیلان به شمار می آید و تأثیر اشعارش بر شاعران پس از او مشهود است. افراشته در انتخاب واژگان و طرز بیان مقصود، هرگز ساختار گویش گیلکی را از دست نمی داد. شعر گیلکی به وسیله او توانست با نوآوری در مضمون و بکارگیری زبان سلیس و روان، در میان کشاورزان و طبقات فرودست جامعه شهری، محبوبیت بی نظیری پیدا کند. شاعری توانمند بود که دردهای جامعه را به خوبی می شناخت. صداقت و سادگی کلامش موجب می شد که شعرش در خاطره ها، جای گیرد. بسیاری از مثل ها، اصطلاحات و باورداشت های مردم کوچه و بازار شهرها و روستاهای گیلان، برگرفته از اشعار گیلکی اوست. طنزهای تلخ و گزنده موجود در اشعارش، بیانگر فقر و محرومیت مردم، تبعیض میان آن ها، رشوه خواری و فساد دستگاه حاکم بود. او در هریک از حوزه های شعر، نثر، نمایشنامه نویسی، داستان نویسی و مخصوصاً شعر گیلکی، شیوه ی خاص خود را داشت. افراشته اغلب اشعار گیلکی خود را بین سال های 1308 تا 1318، پیش از پیوستگی های اجتماعی و درگیری های سیاسی سرود و به نام «ادبازقلعه ای» ضمیمه ی روزنامه های آن روزگار رشت، به چاپ می رساند.

تا کنون دو چاپ از اشعار گیلکی افراشته صورت گرفته است:

1) گزیده ی اشعار گیلکی، ابراهیم فخرایی، رشت، طاعتی، 1368

2) شعرهای گیلکی افراشته (ادبازقلعه ای)، محمود پاینده لنگرودی، رشت، گیلکان، 1374

این اشعار گیلکی، 807 بیت است و منظومه های زیر را در بر می گیرد:

**(1 صحبت کدخدا و مشتی صفر:** این منظومه در بیست و چهار بیت، گفتگویی است میان کدخدا که از رشت برگشته و روستایی ای به نام مشتی صفر. کدخدا مشتی صفر را آگاه می کند و او را با دانش روز آشنا می سازد.

**(2 دس خاخوران:** «دس خاخور» به معنی خواهر خوانده و یا دوست صمیمی چون خواهر است. این منظومه با سی و هفت بیت، سخنان دو زن، از زندگی و مشکلاتشان است.

**(3 می درون مره بخورده، می بیرون خلاقه:** این منظومه ی چهل و هفت بیتی، گفتگویی است میان دو روستایی. یکی از آن ها از مشکلات خود سخن می گوید و معتقد است که کسی از درونش خبر ندارد و همه ظاهر را می بینند و دیگری خود او را علت مشکلاتش می داند. مصرع «می درون مره بخورده، می بیرون خلاقه» و شکل دیگرش یعنی «تی درون تره بخورده، تی بیرون خلاقه» پس از هر دو بیت، یعنی بیست و یک بار تکرار شده است.

**(4 هی تو بگو فل فلکه شل شله:** در فرهنگ مثل ها و اصطلاحات گیل و دیلم به صورت فل فله و شل شله آمده است: «پا پیچیده و لنگ، لنگ است و شل، شل است. در شرق به آدم عصبی و داد دادی گویند؛ چه علی خواجه چه خواجه علی» (پاینده لنگرودی، 1374: 195). این منظومه چهل و شش بیت دارد. مصرع «هی تو بگو فل فلکه شل شله» و شکل دیگرش یعنی «هی مرا گی فل فلکه شل شله»، پس از هر دو بیت یعنی بیست و سه بار تکرار شده است. پرسش و پاسخی است میان میرزا تقی متجدد و کبله حسن کهنه گرا، در باب اصلاحات مملکت.

**(5 زل زلخه، موشل لخه:** زل زلخه، موشل لخه گونه ای بازی کودکانه متداول در گیلان قدیم است. در این منظومه سی و چهار بیتی، مصرع «من تره گم تو ایشتاوی، زل زلخه موشل لخه»، هفده بار تکرار شده است. باز هم صحبت میرزا تقی ست که از پیشرفت مملکت، ارزانی و رفاه مردم جامعه سخن می گوید و مشتی حسن که از مشکلات خانوادگی اش می نالد. در نهایت میرزا تقی، سعی در آگاه ساختن مشتی حسن دارد.

**(6 کبله سلیمان 1 و 2:** این منظومه ی دو بخشی سخنان روستازاده ایست که با خیالاتی خام به تهران رفته، ولی ناکام ماند و این خیالات و در نهایت ناکامی ها را در دو نامه که به یکی از اقوام خود نوشته است، بیان می دارد. بخش اول در هفده بند و بخش دوم در هجده بند (هر بند پنج مصراع) آمده است. محمود پاینده لنگرودی در آغاز این منظومه چنین می نویسد: «رویداد های پس از شهریور 1320 بسیاری از ارزش های اجتماعی را به هم ریخت. روستازادگان زیر بار ستم مباشران خان،



از روستاها کنده و در شهرها پراکنده شدند. شاعر، که خود نیز روستازاده‌ی از روستا گریخته و درد کشیده و تلخی چشیده است، همولایتی های گریز پا را از این کار باز می دارد...» (زادبازقلعه ای، 1374: 75).

**7) حاجی رجب:** این منظومه ی چهل پنج بیتی «در نسخه ی خطی: به یاد مرحوم حاجی رجب حکیم باشی؛ از قول کسی که به دکترهای طب امروزه معتقد نیست و طرفداری از اطبای قدیم می نماید» (همان: 105) سروده شده است.

**8) گیله مرد! سحرده:** این منظومه در نه بند (هر بند پنج مصراع)، با سخنان مردی روستایی آغاز می شود که به فرزند خود، از ارباب و آداب رفتن به نزد او می گوید و در نهایت معتقد است که کسی برای مردم، دل نمی سوزاند و از گیله مردان می خواهد که به پا خیزند زیرا که پیروزی نزدیک است.

**9) واجب الحج:** این منظومه ی هفتاد و پنج بیتی، سخنان فردی است که می خواد به سفر حج برود، به شاگردش دغل بازی، کلاهبرداری، کم فروشی و گران فروشی می آموزد و دکانش را به او می سپارد. در واقع این منظومه ی طنز، طعنه ای است که به کسانی که هنوز حق الناس و اصول اولیه ی مسلمانی را نمی دانند ولی با ریاکاری سعی می کند خود را پاک و منزّه نشان دهند.

**10) سچل فاگیران:** این منظومه ی هجده بیتی، یکی از مشهورترین اشعار افراشته است. در دورانی سروده شده است که آمارگیران جهت سرشماری ساکنان روستاها و شناسایی مضمولان نظام وظیفه، به روستاها می رفتند.

**11) ای پا برانده گیله مرد:** در این منظومه ی دوازده بندی (هر بند پنج مصراع)، افراشته از مشکلات و زحماتی که گیله مردان در چهار فصل سال تحمل می کنند، سخن می گوید.

**12) افراط و تفریط:** این منظومه با چهل و شش بیت، مناظره ایست میان مادری تفریطی و دختری افراطی، که در نهایت پدر که شخصی اعتدالیست، از دو گانگی فریاد سر می دهد و آن دو را از افراط و تفریط بر حذر می دارد.

**13) مفتخور الاعیان (در سه پرده):** این منظومه ی سه بخشی در صد و شصت و یک بیت (بخش اول چهل و پنج بیت، بخش دوم چهل و پنج بیت و بخش سوم هفتاد و یک بیت)، شرح محرومیت های دهقانان گیلان و نموداری از مبارزات حق طلبانه ی آن هاست.

**14) بوگو - واگو:** افراشته در صد و پنج بیت این منظومه، سخنان مردی را ذکر می کند که برای فرار از حرف مردم بارها و بارها شغل خود را عوض می کند ولی زحماتش سودمند نیست و حرف مردم تمامی ندارد.

**15) بهاریه گیلکی:** افزاشته در هشت بند این منظومه (هر بند پنج مصراع)، خبر از آمدن بهار می دهد و با بیانی دلنشین، از زیبایی های این فصل می گوید.

**16) نصاب گیلکی:** افزاشته در دو منظومه ی هجده بیتی و هشت بیتی، واژه نامه ای کوچک می آفریند و معادل فارسی برخی از واژگان و اصطلاحات گیلکی را، در قالب شعر بیان می کند.

## **2-1 میراحمد سید فخری نژاد:**

میراحمد سید فخری نژاد، متخلص به شیون فومنی، از پیشگامان شعر گیلکی و از شاعران معاصر فارسی و از بزرگان طنز اجتماعی ست که در سوم دی ماه سال 1325 ه. ش در شهرستان فومن دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و سه ساله ی خود را در رشت سپری کرد و بعد از آن به کرمانشاه کوچ نمود و سه سال دوم دبیرستان تا اخذ دیپلم طبیعی، 1345، در مدرسه ی رازی کرمانشاه گذراند. وی در سال 1346 وارد سپاهی دانش طارم زنجان شد و یک سال بعد به استخدام اداره ی آموزش و پرورش استان مازندران در آمد. سال 1348 درحالی وارد زندگی زناشویی شد که از یک سال قبل یعنی 1347 به تدریس و مدیریت در یکی از مدارس روستاهای فولادمحله ساری می پرداخت و تا سال 1351 به همین کار مشغول بود. اقدام شیون به سرایش بخش اعظم ترانه های محلی و فولکلوریک خوانندگان و آهنگسازان سرشناس گیلانی، و تحقیق و پژوهش در زمینه ی فرهنگ و ادب فولکلوریک در شمال کشور، در همین سالها صورت گرفت. سال 1351 اولین فرزندش «حامد»، سال 1353 دومین فرزندش «کاوه» و سال 1358 سومین فرزند شیون یعنی «دامون» به دنیا آمدند. در این سال ها یعنی از 1351 تا 1362 شیون کارمند اداره ی کل آموزش و پرورش استان گیلان بود. وی از سال 1357 تا 1360 چهار نوار کاست شعر و ادبیات گیلک با عنوان گیله اوخان (یک تا چهار) ارائه نمود. از سال 1363 تا 1376 دبیر ادبیات مدارس رشت بود. در سال 1364 دو نوار کاست دیگر، گیله اوخان پنج و شش، را ارائه کرد. 1369 سال تولد چهارمین فرزند شیون، «آنک» - دختر قصیده ی نذر- است.

فعالیت های هنری شیون در این سالها عبارتست از: فعالیت در زمینه ی قصه و ادبیات داستانی، نوشتن سناریوهای «ورزا جنگ» و «مسافر بی چمدان» و... فعالیت در حوزه ی شعر و ادبیات کودکان و سرودن داستان های منظوم ویژه ی کودک و نوجوان، و در بهار 1374 انتشار دو دفتر شعر برگزیده ی اشعار شاعر، با عناوین «پیش پای برگ» و «یک آسمان پرواز». در سال 1374 شیون مبتلا به نارسایی کلیه شد. در سال 1375 منظومه ی «گاب دکفته بازار» را به صورت نمایشنامه ی منظوم

ارائه نمود و در شهرهای شمالی کشور به اجرا در آورد، در همین سال برای درمان نارسایی کلیه به تهران کوچ کرد و با توجه به درد فراوان موفق با اخذ فوق دیپلم (تجربی) نیز شد. سال 1376 بازنشسته ی اداره کل آموزش و پرورش استان گیلان شد و به سرودن اشعار گیلکی و فارسی و همکاری با آهنگسازان و خوانندگان سرشناس کشور پرداخت. شیون در زمستان سال 1376 با همکاری فرزندش، به جمع آوری و انتخاب و تدوین کتاب مجموعه ی شعر شاعران معاصر ایران با مقدمه ی شاعر، تحت عنوان «آب های روان» پرداخت.

سرانجام در غروب بیست و سوم شهریور ماه 1377 پس از یک دوره بیماری مزمن کلیوی و انجام پیوند کلیه، در بیمارستان طالقانی تهران، دار فانی را وداع گفت. آرامگاه وی در بقعه ی سلیمانداراب رشت، در کنار میرزا کوچک خان جنگلی قرار دارد.

شیون فومنی بیش از سی سال در عرصه ی سرودن ترانه، شعر فولکلوریک، شعر فارسی، شعر کودک، فیلم نامه و... فعالیت جدی داشت. وی به عنوان یکی از شاعران موفق دو زبانه در حوزه ی شعر فارسی و شعر محلی و بومی گیلکی به شمار می آید که هم در گیلان و هم در گستره ی ملی، جایگاهی ویژه یافت.

تحقیق و پژوهش در زمینه ی فرهنگ و ادب گیلان، ارائه مجموعه اشعار گیلکی در قالب غزلیات، منظومه ها و دوبیتی های محلی، هم چنین انتشار مجموعه های شعر فارسی از جمله آثار قابل تأمل و ماندگار اوست. علاوه بر این ها، ترانه سرایی یکی از جنبه های ادبی و هنری شیون است که با مهارت، چیرگی و تسلط بر موسیقی، آواها و ملودی های محلی و فارسی، از وی شاعر و ترانه سرایی موفق ساخته است.

شیون فومنی پس از افراشته، شاعر بزرگ گیلانی - سراینده ی اشعار طنز آمیز اجتماعی، سیاسی و آزادی خواهانه مردم گیلان بعد از اصلاحات ارضی - توانسته است شعر و گویش گیلکی را در خدمت اجتماع بگیرد و با زبان محاوره، کنایات و تعریضات از درد های مردم سخن بگوید. شعر شیون سرگذشت سرگشتگی ها، تکاپوها، افتادن و برخاستن یک نسل است. شاید ذکر این سخن خالی از لطف نباشد که «زندگی کوتاه شعر گیلکی، سه رکن شاخص و برجسته دارد که شیون، آخرین این ارکان سه گانه است. نخستین این نامبرداران، مجاهد بزرگ صدر مشروطیت «میرزا حسین خان کسمایی» است که هنوز هم غزل لطیفش ترانه ی دل گیلکان است... و دومین «افراشته» (محمد علی رادباز قلعه ای) که سرمایه ی عمر خود را در خدمت محرومان گذارد و فریاد دادخواهی آنان را در گنبد افلاک افکند و سومین و آخرین، «شیون» شاعر سینه سوختگان پاکبخته! و این البته قیاسی است مع الفارق. چرا که شیون، تنها از نظر زمانی و تقدم و تأخر سومین است؛ نه از دیدگاه

زیباشناسی شعر و هنر شاعری، که او را در این قلمرو برتری و والاتری بسیار بیشتر و پیشتر از آن است تا در این قیاس بی اساس، به سنجش در آید...!» (هدایتی خوشکلام، 1384: 7).

شعر شیون در جای جای خود رگه هایی از هایکوی گیلانی را دارد، او حتی زمانی که به زبان فارسی شعر می گوید باز هم حال و هوای طبیعت گیلان زمین در آن ملموس است.

در مورد مضامین شعر شیون، زنده یاد فریدون پوررضا معتقد است که «ترسیمی از دردهای نهانش را در قالب زمزمه های آهنگین به نمایش گذاشته است» (پوررضا، 1377: 5).

آنچه در این رساله مورد بررسی قرار می گیرد، اشعار گیلکی شیون فومنی است که موارد زیر را در بر می گیرد:

**(1) مره نه دوندگی:** شعر شیون حدیث نفس او به تنهایی نیست، سرگذشت تکاپوها، تلاش ها و مشکلات یک نسل است. در اغلب اشعارش، از جمله این شعر، حال و هوا و بوی طبیعت گیلان زمین به مشام می رسد.

**(2) پهلوان:** پهلوان از اشعار بسیار معروف شیون است که ورد زبان اکثر گیلانیان شده است. این شعر در نه بیت، به بیانی دلنشین، مردانی را پهلوان می داند که با سختی و مشقت دست و پنجه نرم می کنند و به تأمین نیازهای خانواده شان می پردازند.

**(3) پاخاری:** غزلی است در دوازده بیت که شیون در آن ضمن حدیث نفس، با بیانی غمبار و در برخی ابیات با طنزهایی تلخ، از مشکلات و دردهای مردم سخن می گوید.

**(4) فوخوس:** در این منظومه با بیانی طنزآمیز، راوی از خواب آشفته ی خود سخن می گوید. صحنه پردازی ها و پرداختن به جزئیات افراد و حالات آنان آنقدر دقیق است که مخاطبان می توانند تمامی لحظات آن را تصور کنند.

**(5) درد دیل:** شیون شعر را درد دل و وسیله ای برای بیان حرفهایش می داند که البته بر کسی پوشیده نیست که تمام حرف شیون، درد و غم و نگفته های مردم جامعه است. او در این شعر، مانند اشعار دیگرش، در پی آگاهی افراد جامعه است و ناتوانی را سرنوشت جامعه ی ما نمی داند.

**(6) به؟ نیبه:** به نیبه پر است از ضرب المثل های عامیانه ی گیلکی. پرسش های شیون در این غزل و پاسخ منفی به آن ها، تأثیر شگرفی بر مخاطب می گذارد. اصطلاحات و عبارات طنز آمیز فراوانی را در آن می توان یافت.

**(7) آقادر:** مضمون این منظومه ریشه در اعتقادات کهن دارد. نیما یوشیج نیز داستانی با همین مضمون به نام «قصه ی مرقد آقا» دارد که در جزوه ی چهارم در دوره ی چهارم «افسانه» در اسفند 1323 به چاپ رسیده است. نظراتی مبنی بر نگاه شیون

به قصه ی مرقد آقای نیما، برای سرودن این منظومه وجود دارد. توجه شیون به این مضمون، پرداختی نو است که با لحنی پر کنایه اعتقادات آمیخته با خرافات مردم را مورد انتقاد قرار می دهد.

**8) جنگل:** غزلی است در شش بیت، پر از کنایه، استعاره، تشخیص و صنایع ادبی دیگر.

**9) قبله نما:** این غزل سیزده بیتی، باز هم ندای شیون است از دردهای مردم. او در جای جای اشعارش به بیان مصائب انسان ها و پستی های برخی از انسان نماها می پردازد. او تسلیم ناپذیر بانگ سر می دهد، به میدان مبارزه می رود و مردم را نیز به آگاهی دعوت می کند.

**10) وطن:** غزلی است با ده بیت که شیون در آن، با عشقی عمیق و پر شور، درد وطن دارد و داغدار تاریخ ستم دیده ی میهن خویش است. او ندای وحدت سر می دهد و خواستار آزادیست.

**11) میرزا:** غزلی ست چهارده بیتی که به یاد میرزا کوچک خان و نهضت جنگل سروده شده است.

**12) تنگه لنگ:** در این غزل چند موضوع مهم در هم آمیخته شده است. واژگان شاخص باعث می شود که هر چه اشراف مخاطب بر موضوع بیشتر باشد، درک و القای موضوعات، بیش تر شود.

**13) میزقانچی:** مزقانچی به معنی نوازنده است. مخمسی ست در شش بند، که یکی از اشعار بسیار مشهور شیون و ورد زبان عامه ی مردم گیلان محسوب می شود.

**14) گاب:** این منظومه بلند با صد و سی و هفت بیت در قالب مثنوی، روایتگر گم بودن هویت انسانها و تلاشهای بی حاصل آنها برای بازیافتن این هویت است که با طنزهایی جذاب ولی تلخ و گزنده بیان می شود. برخی این منظومه را متأثر از «سجل فاگیران» افراشته می دانند.

**15) انعام:** غزلی ست با سیزده بیت، پر است از تصویر آفرینی های زیبا و ماندگار که با امثال و اصطلاحات عامیانه اش در ذهن و روان مخاطبان می نشیند.

**16) رخشن:** شیون در این غزل نه بیتی، بدون توجه به انتقادهای ناشی از حسادت برخی، حرفهایش را برای آنان که پی به عمق و ژرفای آن می برند، بیان می کند.

**17) بی بی بی چادری:** مخمسی است بسیار زیبا، مشهور و ماندگار، در بیست و دو بند، پر از اصطلاحات و مثل های عامیانه که با زبان و بیانی طنزآمیز، به مسائل اجتماعی مختلف پرداخته است.

**18) منظومه ی هیچ:** در این منظومه زیبا و به یاد ماندنی که پر است از تصویر آفرینی های جذاب، شیون از شخصی سخن می گوید که نامش «هیچ» است و به خاطر نامش کسی به او توجه نمی کند. روزی به خاطر این بی محلی از دوستش گلایه می کند، او نیز دلیل این بی توجهی را نام «هیچ» می داند و به او چند نام دیگر مانند: اداره چی، معلم، حاجی، نفتی، ماهی گیر و سرهنگ پیشنهاد می کند ولی «هیچ» به همه ی آن ها ایراد می گیرد و سرانجام هیچ، بهترین نام را نام پیشین خود می داند. تأثیر منظومه ی «بوگو واگو» افزاشته، بر منظومه ی هیچ شیون، در برخی ابیات به خوبی مشهود است.

**19) گیشه دمرده:** شیون در منظومه ی صد و هفت بیتی گیشه دمرده (عروس غرق شده در آب)، به بیان داستان و افسانه ای قدیمی می پردازد که برگرفته از باور مردمان خمام گیلان است. او ضمن بیان آداب و رسوم خواستگاری و عروسی در استان گیلان در پی آن است که از این افسانه به نتیجه گیری اجتماعی برسد. این منظومه صدای زندگی است با تمام چهره های شاد و غمگینش که شیون در برابر فقر و مشکلات متعاقب آن برای روستاییان فریاد از دل بر می آورد.

**20) گاب دکفته بازار:** حکایت پادشاهی است که به همراه دربارانش، به جان مردم می افتد تا انتقام کور شدن شخصی را بگیرد که به خاطر دزدی کور شده بود!... این منظومه با ساختاری ویژه ی خود، زمینه را برای قرار گرفتن در حوزه ی ادبیات نمایشی فراهم آورده است. شخصیت ها، دیالوگ، راوی و همه ی عوامل نمایش در این منظومه نشانگر تلاش شاعر برای ایجاد پیوند میان شعر با دیگر هنرها، به ویژه نمایش است. ساختار روایی داستان بر پایه ی مثنوی ریخته شده است و با صحنه پردازی های طولانی آغاز می شود.

**21) چانکشان:** این منظومه که با نام های دیگری چون «اصولولو»، «معرفی» و یا «مم جعفر» در میان دوستداران اشعار شیون شناخته شده است، به همراه منظومه ی نقل و نبات هاپ، دو منظومه ی ارائه نشده ولی بسیار مشهور و شناخته شده ی شیون است که ابیات طنز آمیز و زیبای فراوانی دارد.

**22) نقل و نبات هاپ:** نقل و نبات هاپ داستانی است جالب و شنیدنی، مرحوم شیون خودش در ابتدای این شعر این چنین توضیح می دهد: «وقتی که [در کودکی] ما بازی می کردیم، بازی ای به نام لال بازی بود که انتهای آن بازی می گفتیم نقل و نبات هاپ و دهانمان را می گرفتیم. دقیقاً می خواستم در اینجا حرکت یک انسان را در تداوم یک جهش و انقلاب نشان بدهم، و هر چیزی را که یک انسان می تواند از جامعه ی خود بگیرد، به همین خاطر ما منکر جهت ها نمی شویم.»

**23) پنج غزل محلی گیلکی:** این پنج غزل که مجموعاً در گیشه اوخان شش (الف) آمده است شامل غزل های: آچی مچی خواب، کافر راسته، امی ماران، او... تو بمیری و غزل دیگری ست با مطلع بیا می آینه مین چل چراغ نورا بدین...

**24) مجموعه دوبیتی های محلی گیلکی:** در گילה اوخان مجموعاً صد و پنج دوبیتی محلی وجود دارد که مضامین مختلفی را در بر می گیرد، گویی این دو بیتی ها چکیده ایست از مضامینی که شیون در اشعار مختلفش به آن ها نظر داشته است. طنزهای تلخ و شیرین برخی از این دوبیتی ها یکی از عوامل مؤثر در رویکر عامه به این ابیات و ملاحظت و جذبیه ی آن ها است.

**25) خیاله گرده گیج:** «پرسه ی خیال» شیون، تنها مجموعه اشعار گیلکی ست که پس از درگذشت شاعر، به شکل مکتوب به طبع رسیده است. این مجموعه به لحاظ قالب و نوع شعر، شعر کوتاه نیمایی است. این کتاب شعر که «شیون مجموعه «طرح های گیلکی» اش نامیده، ادامه ی منطقی اشعار نوارهای کاست «گילה اوخان» در دهه های شصت و هفتاد سیر و سلوک شاعرانه ی اوست» (فومنی، 1387: 14).

### **1-3 مصطفی رحیم پور سیاهکلی:**

مصطفی رحیم پور سیاهکلی، خواننده و ترانه سرای گیلانی، در سال 1317 ه.ش در روستای بیدرون سیاهکل به دنیا آمد. وی پس از اخذ دیپلم ادبی در سال 1340 به استخدام آموزش و پرورش استان گیلان درآمد. او متأهل است و هفت فرزند دارد. اکنون نیز دبیر باز نشسته آموزش و پرورش و ساکن سیاهکل است.

وی در منظومه هایش که به لهجه ی دیلمانی ها سروده شده است، زندگی، باورداشت ها و سنن مردم دیار خود را به زیبایی هرچه تمام تر به تصویر می کشد. اشعارش تابلویی از زندگانی و مشکلات اجتماعی دهه ی چهل جامعه ی گیلان را به نمایش می گذارد. این اشعار از دیدگاههای مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، زبانی و ادبی در خور ارزش و قابل بررسی است. واژگان، اصطلاحات، کنایات و مثل های بکر و تازه ی فراوان در آثار رحیم پور، ارزشمندی آنها را چندین برابر می کند. وی اشعار گیلکی فراوانی به گویش گیلکی دارد ولی آنچه که در دسترس است و از ایشان انتشار یافته است، دو جلد از منظومه های گیلکی با عنوان «گילה شول» به کوشش قاسم غلامی است که منظومه های زیر را در بر می گیرد:

**1) منظومه ی مخوس (کل شریف):** در فرهنگ گילה گب درباره ی واژه ی مخوس چنین آمده است: «بیماری و آفت پبیرین که بزرگترین خطر برای کرم ابریشم است» (نوزاد، 1381: 436). مخوس مشهورترین اثر رحیم پور است که سال ها قبل به شکل نوار کاست تکثیر شد. این منظومه که در سال 1351 ه.ش سروده شده، سیصد و هشتاد بیت شعر گیلکی است که زندگانی و مشکلات اجتماعی دهه ی چهل جامعه ی گیلان را نشان می دهد. شاعر از زبان کل شریف، مرد روستایی،

حقایق تلخی را بیان می کند. این منظومه حکایت زندگی دردمندانه ی مردمی است که در زیر ظلم و ستم نظام حاکم در فقر و بد بختی زندگی می کردند و به این نتیجه رسیدند که دیگر باید برخیزند و حرفهایشان را بزنند و حق خود را از ستمگران بستانند. برگردان فارسی توضیحی که رحیم پور در آغاز فایل صوتی این منظومه می گوید چنین است: «مخوس شعری است به زبان محلی شرق گیلان، درد دلی است از کل شریف ما، که سال 1340 نوغان درست کرد. این شعر در سال 1350 نوشته شد.»

**(2) نون حلال:** این منظومه ی گیلکی صد و هشتاد و هفت بیت، در سال 1360 سروده شده است. شاعر در آرزوی جهاد سازندگی و انقلاب کشاورزی، از اقشار مختلف می خواهد که به فکر اهالی روستا باشند. وی در این منظومه با بیانی شیرین و دلنشین به مسائل کشاورزی می پردازد، از تولیدات گذشته ی روستا سخن می گوید و جوانان روستایی را به ادامه ی تولید تشویق می کند.

**(3) گیله مرد:** این منظومه با صد و شصت و پنج بیت در سال 1348 سروده شده است. شاعر زندگی خانواده های روستایی دهه ی چهل را با جزئی نگری بیان می کند و به انتقاد از اصلاحات ارضی می پردازد.

**(4) گالشئی:** رحیم پور این منظومه را در سال 1353 در هفتاد و هفت بیت سرود و در آن گوشه ای از زندگی دامپروران کوه نشین را به تصویر کشید. زبان او در این منظومه طنز آمیز است که برای انتقاد از اقتصاد بیمار حاکم، از آن استفاده می کند.

**(5) کاپیش:** این منظومه ی شصت و نه بیت، که در سال 1349 سروده شده است، سخنان و درد دل های دلنشین مردی کشاورز با آبدزدکی است که در مزرعه ی او زندگی می کند. در این منظومه حقایقی تلخ با بیانی دلنشین و معانی بلند بیان می شود.

**(6) فاصدی:** این منظومه ی سیصد و پنجاه و شش بیت، از نخستین منظومه های رحیم پور است که در سال 1336 یعنی نوزده سالگی اش سروده و تا سال 1344 گاه گاهی به تصحیح و تکمیل آن پرداخته است. این منظومه حکایت دلباختگی دختر و پسر روستایی است که پس از افشای دلدادگی آن ها، پدر دختر برای دعوا به خانه ی پسر می رود و سراسر منظومه بحث وجدل و مناظره ی دو طرف است... البته سرانجام پدر دختر رضایت می دهد. در این منظومه زندگی مردم روستایی گیلان در دهه ی سی نشان داده شده است. فقر، تنگدستی، هنجارها و ناهنجاری های فرهنگی، آداب و رسوم، انتقاد به جو حاکم و خفقان موجود در آن عصر از جمله مسائلی است که در این منظومه به آن پرداخته شده است.



**7) غول حیدر:** این منظومه که در سال 1344 در دویست و چهار بیت سروده شده است، ماجرای زندگی مردی روستایی، قوی هیکل، ساده بی ریا به نام غول حیدر است. شاعر در این منظومه ی طنز، با بیانی واعظانه مسائل مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را مطرح می کند.

**8) شومار و عروس:** این منظومه نیز از معروفیت خاصی برخوردار است و سال ها قبل به صورت نوار کاست منتشر شد. این منظومه شامل دویست و پنجاه و چهار بیت شعر گیلکی است که در سال 1356 سروده شده است و در آن تفاوت فرهنگی دو نسل قدیم و جدید و تغییراتی که در روستاهای گیلان پس از اصلاحات ارضی مشاهده می شد، به تصویر کشیده می شود. مسائلی همچون: زبان، پوشش، تغذیه، معاشرت، آموزش و پرورش، خانواده، اقتصاد و... مطرح می شود.

**9) وس ماری:** در سال 1349 در هشتاد و دو بیت گیلکی سروده شده است. وس ماری دختری است که در سوگ مادر خود می نالد و با پدر گفتگو می کند.

# فصل دوم

## تعریف طنز

## 2-1 طنز<sup>1</sup> چیست؟

«طنز» در لغت واژه ای عربی و به معنای تمسخر و استهزاء است (داد، 1382: 339؛ حرّی، 1387: 59). ارائه ی تعریف دقیقی برای طنز کار ساده ای نیست و این دشواری به دلیل ماهیت تفکر برانگیز، پیچیده و چند لایه ی طنز، و نزدیکی مرز و مفهوم آن، با دیگر انواع شوخ طبعی است. به طور کلی شوخ طبعی به تمام گونه های گفتار و نوشتار اطلاق می شود که شنیدن یا مطالعه ی آن باعث انبساط خاطر و ایجاد خنده می شود و براساس وجود عواملی مانند: انتقاد، تمسخر، کنایه و خنده به چهار شاخه ی عمده ی: طنز، هجو<sup>2</sup>، هزل<sup>3</sup> و فکاهه<sup>4</sup> تقسیم بندی می شود. در گونه های مختلف شوخ طبعی اشتراکاتی همچون خنده دار بودن، کنایه و مسائل غیر جدی وجود دارد، اما باید توجه داشت که در هجو جنبه ی شخصی و فردی قوی تر است و هدف هجو دفاع از اغراض شخصی و منکوب کردن شخصیت های مورد خشم شاعر یا نویسنده است (کاسب، 1366: 19) و هزل «شوخی ای رکیک به منظور تفریح و نشاط، در سطحی محدود و خصوصی است» (صلاحی، 1376: 6) و فکاهی یا مطایبه «بیش تر بر رفتار های غریب، نقاط ضعف و بلاهت های اخلاقی نظر دارد» (اصلانی، 1387: 216).

در این قسمت بر آنیم به نقل برخی از تعاریفی که در کتب مختلف، در باب طنز، آمده است پردازیم:

سیما داد در «فرهنگ اصطلاحات ادبی» درباره ی طنز این گونه می نویسد: «در اصطلاح ادب به آن دسته از آثار ادبی اطلاق می شود که با دستمایه ی آبرونی و تهکم و طعنه به استهزاء و نشان دادن عیب ها، زشتی ها، نادرستی ها و مفاسد فرد و جامعه می پردازد.» وی این کلمه را برابر نهاده ی واژه ی Satire می داند و می گوید: «کلمه ی Satire از Satire و Satura در زبان لاتینی اقتباس شده است و آن ظرفی پر از میوه های متنوع بوده است که به یکی از خدایان فلاح و زراعت هدیه می کردند» (داد، 1378: 339-340).

---

1-Satire  
2-Lampoon  
3-Fscetiousness/Facetiae  
4-Humor/Humour

دکتر شمیسا Satire را از اقسام هجو می‌داند و می‌گوید: «فرق آن با هجو این است که آن تندی و تیزی و صراحت هجو در طنز نیست، وانگهی در طنز معمولاً مقاصد اصلاح طلبانه و اجتماعی مطرح است. طنز کاستن از مقام و موقعیت کسی یا چیزی است به نحوی که باعث خنده و سرگرمی شود» (شمیسا، 1378: 235).

حسن جوادی نیز واژه ی Satire را برابر با طنز به کار برده است (جوادی، 1384: 15).

محمد رضا اصلانی در «فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز» چنین می‌نویسد: «در اصطلاح ادبی، طنز به نوع خاصی از آثار منظوم و یا منثور ادبی گفته می‌شود که اشتباهات یا جنبه‌های نامطلوب رفتار بشری، فسادهای اجتماعی و سیاسی و حتی تفکرات فلسفی را به شیوه‌ای خنده‌دار به چالش می‌کشد. طنز گرچه طبیعتش بر خنده استوار است اما خنده را تنها وسیله‌ای می‌انگارد، برای نیل به هدفی برتر و آگاه کردن انسان به عمق رذالت‌ها» (اصلانی، 1385: 140-141).

در کتاب «طنز و طنز پردازی در ایران» چنین می‌خوانیم که «شیوه‌های خاص بیان مفاهیم تند اجتماعی، انتقادی، سیاسی و طرز افشای حقایق تلخ و تنفرآمیز ناشی از فساد و بی‌رسمی‌های فرد یا جامعه را که دم زدن از آن‌ها به صورت عادی یا به طور جدی ممنوع باشد، در پوششی از استهزاء و نیشخند، به طور نفی کردن و برافکندن ریشه‌های فساد و موارد بی‌رسمی، «طنز» می‌نامیم» (بهبادی، 1378: 6).

یان جک<sup>1</sup> نیز طنز را زاده‌ی غریزه‌ی اعتراض می‌داند، «اعتراضی که تبدیل به هنر شده است» (یلارد، 1378: 12).

پیراندلو<sup>2</sup> نیز می‌گوید: «طنز مثل ستون هرمس دو چهره‌ای است که یک چهره‌ی آن به اشک‌های چهره‌ی دیگرش می‌خندد» (اصلانی، 1387: 142).

علی شریعتی نیز درباره‌ی طنز می‌نویسد: «امروز به گونه‌ی دیگری هم می‌خندیم این گونه‌ی خندیدن یکی از عزیزترین کشف‌های انسانی معنویت عصر ماست و آن نه سخن گفتن از آنچه خنده‌ناک است، بلکه خنده‌ناک سخن گفتن است از آنچه سخت غم‌انگیز است» (کردچگینی، 1388: 21).

در کتاب «ادبیات چیست؟» ژان پل سارتر<sup>3</sup> ضمن تعریفی که از طنز ارائه می‌دهند، اینگونه می‌نویسد: «طنز با نیشخندی عنادی و استهزا آمیز که آمیخته به ابهامی از جنبه‌های مضحک و غیر عادی زندگی است، پای از جاده‌ی شرم و تملک نفس بیرون نمی‌نهد و همین نکته مرز امتیاز طنز از هزل و هجو است» (سارتر، 1356: 78).

---

1-Yan Jack

2-Pirandello

3-Jean- Paul Sartre